اثر جدید روح‌الامین رونمایی شد

اثر جدید حسن روح‌الامین با موضوع پیامبر رحمت (ص) با عنوان «جبل‌النور» در جریان کنگره جهانی «محمد(ص)، پیامبر رحمت در آینه ادب و هنر» در شیراز طراحی و اجرا شد. مهر خبر داده که این اثر در ابعاد ۱۰۰ در ۱۵۰ سانتی متر و با تکنیك اکریلیک روی بوم و طی دو روز ۱۵ و ۱۶ تیرماه در مسجد نصیرالملك شهر شیراز اجرا شده است.

کمك هزینه و جوایز جشنواره چند برابر می‌شود

مجتبی جدی، دبیر بیست و سومین جشنواره تئاتر دانشگاهی ایران به مهر گفت: «با توجه به تورم و شرایط اقتصادی موجود، دیگر کمك هزینه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی که در دوره‌های قبلی به گروه‌ها پرداخت می‌شد، پاسخگوی هزینه‌های گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره نیست. از این رو در تلاش هستیم که مبلغ کمك هزینه‌ها چندین برابر شود و این مبالغ بلافاصله بعد از پایان جشنواره به گروه‌ها پرداخت می‌شود.»

مبارز افغانستانی در کنار مزار هموطنانش نشسته است / عکس: AFP (آژانس خبری فرانسه)

...ان کدام ادبیات است؟
...ه از وطن

روشنفکری به خودش همین قدر بیرحمانه پاسخ داده است، ادبیات ماندگاری خلق شده که تا قرن‌ها به عنوان تنها گزارش رویارو، نزدیک و احتمالا صادقانه از وضعیت مردم در جنگ در گوشه‌ای از دنیا مورد استناد قرار گرفته است. همینگوی‌ها، جان اشتاین‌بک‌ها، اوریانا فالاچی‌ها و بسیاری دیگر محصول این «نه» بیرحمانه هستند. اما زاویه دید اول هم خالق است. خالق ادبیات است اما شاید نشود آن را ادبیات افغانستان نامید. شاید نیاز باشد از عبارت‌های اضافی دیگری استفاده کنیم تا یادمان نرود داستان‌ها و اشعاری که در مهاجرت ناشی از جنگ خلق شده‌اند، لاجرم حاوی نگاه متفاوتی با آن ادبیاتی هستند که در میانه میدان می‌رزمد و زخم برمی‌دارد و خون می‌ریزد. سخت می‌شود درباره بازتاب جنگ در ادبیات افغانستان حرف زد اما شاید تاثیرش بر ادبیات کشور همین باشد که بسیاری از ادیبان و روشنفکران و هنرمندان افغانستانی را از وطن‌شان تارانده است.

به ادبیات نزدیک‌تر است؟

گرچه شما نمی‌توانید در مورد ادبیاتی که اساسا خاستگاهش موضوع شاخصی مثل جنگ است نگاهی صرفا ادبیاتی داشته باشید اما با همه این احوال به نظرم غیر از تفاوت‌هایی در فرم و ساختار، در جبهه‌گیری محتوایی، هر دو دسته از مضامینی مشترک استفاده می‌کردند و تنها جای قهرمان و ضدقهرمان در آثارشان تبدیل و تعویض می‌شد. البته قابل ذکر است که آثار ادبی این دو جبهه، چه شعر و چه داستان، به لحاظ کیفی چندان قابل مقایسه نبودند. امروزه که جامعه افغانستان از آن هیجان‌ها فاصله گرفته، اگر بی‌طرفانه آنها را بسنجیم، ادبیات طیف چپ را به‌دلیل داشتن فعالیت متمرکز، بهره‌گیری از امکانات حکومتی، ارتباط با ادبیات سوسیالیستی جهانی و رجوع بیشتر به ساختارهای نو یک سر و گردن در شعر و تقریبا به صورت مطلق در داستان به لحاظ غنا و توان ادبی، قوی‌تر می‌یابیم؛ به‌خصوص در عرصه ادبیات داستانی که جبهه مجاهدین جز یکی دو رمان بااغماض متوسط، مانند «باند اژدها» از حاتم امیری و «رفیق روسی‌ام» از اسحاق فیاض و معدود داستان‌های کوتاه، کالای دیگری در بساط نداشتند اما داستان‌نویسان طیف چپ فعال‌تر بودند و چندین کار قابل توجه در آن دوره منتشر کردند؛ آثاری مانند دو رمان «داس‌ها و دست‌ها» از اسدا... حبیب و «راه سرخ» از ببرک ارغند.

ادبیات افغانستان حالا هم همین‌طور است و بر همان مدار سابق می‌چرخد یا تغییر کرده است؟

همچنان که سمت‌وسوی جنگ‌ها در افغانستان تغییر کرد، رویکرد جامعه ادبی به جنگ نیز دچار تغییر شد؛ تغییری که دوبیتی آورده شده در اول این نوشتار آیینه تمام‌نمای آن است: ادبیات ضدجنگ. اختلافات شدید داخلی چپی‌های حکومتی که گاهی تا سر حد تصفیه‌هایی خونین پیش می‌رفت، سپس جلوس دولت مجاهدین و جنگ‌های وحشتناک احزاب و گروه‌های مجاهدین بر سر قدرت و بعد سلطه گروه طالبان، اتفاقاتی بودند که جنگ را در دیدگاه همه مردم از جمله ادیبان مذموم کرد. فجایع و ویرانی‌های جنگ آنقدر فراوان بودند که دیگر نمی‌شد آنها را با جامه هیچ ایدئولوژی و تقدسی تطهیر کرد.

رمان‌ها، خاطره‌نگاری‌ها و اشعار از جنگ‌های پی در پی افغانستان می‌گویند

ادبیات افغانستان، از جنگ شوروی تا جنگ آمریکا

ایرانیان با هیچ همسایه‌ای بیش از افغانستان در تماس نبوده‌اند و این تماس علی‌القاعده باید تاثیر مشهودی بر ادبیات هر دو طرف گذاشته باشد یا دست‌کم ادبیات این دو را برای یکدیگر روشن کرده و در دسترس قرار داده باشد. از این طرف ما جرایعنی میزان حضور و مطالعه ادبیات ایران در افغانستان که اطلاعی در دست نداریم اما از آن طرف باید چرخی بزنیم تا ببینیم چقدر از داستان‌ها و رمان‌ها و اشعار افغانستانی یا درباره افغانستان به‌خصوص مرتبط با مساله جنگ در ایران منتشر شده است. در این گزارش نگاهی انداختیم به چند رمان و داستان در فضای جنگ‌های چند دهه اخیر افغانستان.

آوازهای روسی

نویسنده: احمد مدقق
ناشر: شهرستان ادب
سال نشر: ۱۳۹۶

خاطره این دو دهه حضور نیروهای آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در خاک افغانستان، آن قدر سنگین بوده که جنگ بزرگ قبلی افغانستان با شوروی را از یادها ببرد. درحالی که اجماع نظرات کارشناسان بر آن است که از قضا این جنگ شوروی بود که طالبان و رویکردهای افراطی را ایجاد کرد یا دست‌کم همپای بن‌لادن از عربستان به افغانستان کشاند و طالبان، این چیزی شد که حالا هم دو دهه است به بهانه آن، آمریکا در همسایگی ایران جا خوش کرده است. داستان تحسین‌شده «آوازهای روسی» در یازدهمین جایزه جلال، در افغانستان و دوران مبارزات گروه‌های مختلف مردمی که علیه شوروی مبارزه می‌کردند، می‌گذرد. در این میان، جوانی متمول و دانشجو می‌کوشد تا از جنگ دور بماند اما روند حوادث او را به وادی جنگ می‌کشاند. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «صورت لاغر دخترک، یعقوب را یاد روزی برفی و سرد انداخته بود که ایستاده بود زیر درختان بی‌حاصل بید و مبارکه بخار از پنجره‌ای کوچک پاک کرده بود و صورتش را چسبانده بود به شیشه. یاد روزی که نشسته بود بالای بام خانه خلیفه ناصر و به جمعیت شادمانی نگاه می‌کرد که دورتادور اسب عروس را گرفته بودند و نعیم با لباس سفید دامادی افسار اسب را می‌کشید و شرمناک لبخند می‌زد».

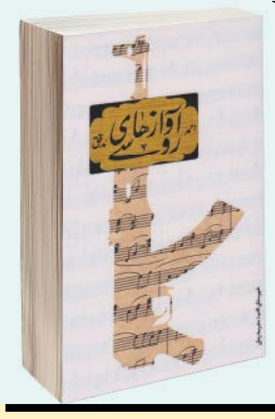

پسرانی از جنس روی

نویسنده: سوتلانا الکسیوویچ
ناشر: نگاه
سال نشر: ۱۳۹۷

هر جنگ بی‌نتیجه، ای بسا که همواره برای طرف مهاجم و اشغالگر، مصیبت‌بارتر و دهشتناک‌تر باشد. جنگ شوروی با افغانستان هم از این دست است که الکسیوویچ، نویسنده اوکراینی برنده نوبل در آن روزها که اوکراین جزئی از اتحاد جماهیر شوروی بود، به عنوان خبرنگار در این جنگ حضور یافته و دیده‌هایش را به صورت گزارش به ثبت رسانده است. این کتاب با نام‌های «تابوت‌های رویین» هم در کابل منتشر شده، قرار است بازتاب‌دهنده نگاه یکی از اهالی شوروی به مصائبی باشد که جوانان سرباز این کشور در خاک افغانستان به آن دچار شده‌اند. او در قسمتی از کتاب با اشاره به سقوط انسانیت توسط توجیه‌گران جنگ در میان سیاستمداران شورویایی و تجاوز به خاک افغانستان می‌نویسد: «رئیس‌های ما از این تردیدهای ما خوش‌شان نمی‌آمد. دمپایی و پیجامه هنوز نداشتیم اما شعارها، پوسترها و... به قدر کافی داشتیم. هر سو نصب می‌کردند. در پیرنگ این شعارها، صورت لاغر و غمگین بچه‌های ما را می‌دیدیم. آنها در حافظه‌ام همان گونه که بودند، برای ابد ماندند... دو بار در هفته آموزش سیاسی داشتیم. همیشه به ما می‌آموختند: وظیفه مقدس ماست که مرز ما قفل باشد. ناخوشایندترین چیز در ارتش، خبرچینی بود. دستور داشتیم خبرچینی کنیم... هرگپ کوچکی را هم.»

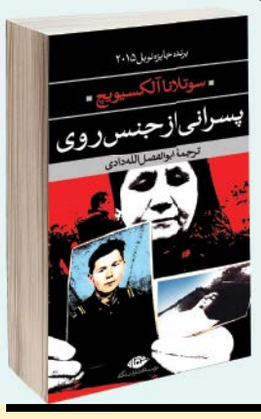

کورسرخی (روایت‌هایی از جان و جنگ)

نویسنده: عالیه عطایی
ناشر: چشمه
سال نشر: ۱۴۰۰

کدام زمان است که افغانستان، زیر سایه جنگ نبوده باشد؟ پاسخ به این سوال دست‌کم برای نیم‌قرن اخیر، آسان نیست. این مساله را در جدیدترین کتاب عالیه عطایی نویسنده افغانستانی مقیم ایران بهتر درمی‌یابیم وقتی قرار است ۹ روایت درباره جنگ را از لابه‌لای خاطرات کودکی دختری خردسال در حوالی سال‌های ۱۳۶۵ بشنویم و این خاطرات را تا سه دهه بعد پی بگیریم و روایت‌هایی درمورد افغانستان، مردم مهاجر و رنج‌ها و بیماری‌های آنان را در میانه جنگ بخوانیم. نویسنده در بخشی از این کتاب چنین می‌نویسد: «دو مرد بازمانده از جنگ، ایستاده بودند میان زمین کشاورزی. یکی‌شان می‌گفت: «سیل کردی روس‌ها را چنان به درکردیم؟» آن یکی گفت: «لوله توپ را بشخاردی؟» گفت: «بشخاردم، بشخاردم. هر چه لته بود بشخاردم. دِگه فَیر نکرد.» در کودکی نمی‌دانستم چه‌طور می‌شود لوله تانک را با پارچه فشرد تا دیگر نتواند شلیک کند. چندین سال بعد، از پنجشیر تا پکتیا، تانک‌ها و ادوات جنگی به‌گل‌نشسته دیدم که دیگر شلیک نمی‌کردند و شبیه خانه‌های فلزی زنگ‌زده در میانه بیابان و کوه و دره رها شده بودند، با هزار جور کاربرد و هزار جور آدم: لانه معتادان، خانه در راه‌ماندگان، تک‌وتوک مجاهد بی‌فرمانده، چند کمونیست مؤمن سرگردان، دو عاشق فراری لامذهب... دیدم جنگ صورتش عوض شده و جانی دیگر گرفته اما، به گواه دگردیسی اشیا، ما تباه شده‌ایم.»

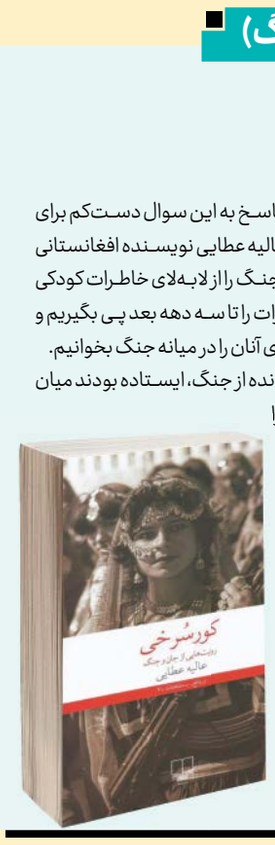

اولین سنگ

نویسنده: کارستن ینسن
ناشر: هنوز
سال نشر: ۱۳۹۹

حمله سال ۲۰۰۱ آمریکا به افغانستان، آغاز دوران جدیدی از جنگ و بازگشت و قدرت گرفتن طالبان در خاک افغانستان بوده است؛ جنگی که گروه‌های مختلف سربازان را برای سال‌ها از کشورهایشان در قلمرو قاره سرسبز به افغانستان فراخواند و دو دهه از زندگی آنان را هم برای جنگی بیهوده با جراحات بسیار تلف کرد. زمان دوجلدی «اولین سنگ» به قلم روزنامه‌نگار و تحلیلگر دانمارکی تلاش می‌کند سرنوشت جنگ افغانستان را با دیدگاهی انسان‌دوستانه روایت کند و در عین حال محصول تجربیات ۳۰ ساله نویسنده‌اش باشد. به گزارش ایلنا، ینسن در این رمان، آسیب‌های جنگ را به تصویر می‌کشد. خواننده همراه جوخه‌ای داوطلب از جوانان دانمارکی، از پایگاه بیرون می‌آید و روستاها و شهرهای افغانستان را از هلمند تا حیاط خلوت افغانستان در کویته پاکستان در می‌نوردد. او شاهد دگرگونی آنهاست. با خوشی‌شان می‌خندد و با دردشان می‌گرید. داستانی است هیجان‌انگیز که همه دست‌اندرکاران جنگ را یک به یک به تصویر می‌کشد؛ از طالبان و نیروهای ناتو، دولت ناکارآمد و فاسد، جنگ‌سالاران و شبه‌نظامیان گرفته تا مخوف‌ترین مزدوران خارجی که از دل شرکت‌های خصوصی بیرون آمده‌اند. ینسن کاری می‌کند که خواننده با سربازان دانمارکی پیوسته احساس نزدیکی کند و دریابد آرمانگرایی، عشق و نوع‌دوستی چگونه در کوره جنگ ذوب می‌شود و انتقام، بی‌عدالتی و تروریسم از آن زاده می‌شود.

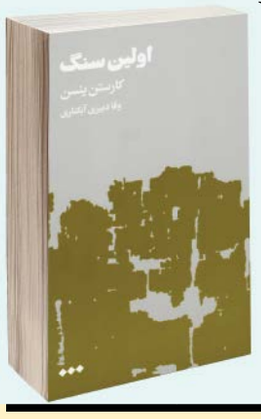

درختان تبعیدی

جمع‌آورندگان: علی محمد مودب و سید ضیاء قاسمی
ناشر: شهرستان ادب
سال نشر: ۱۳۹۲

سیدضیاء قاسمی، شاعر افغانستانی در همکاری با علی‌محمد مودب شاعر ایرانی، مجموعه‌ای از غزل‌های امروز افغانستان را گرد آورده‌اند تا برای مخاطبان ایرانی، دریچه‌ای به روی شعر امروز افغانستان باز کنند.

در معرفی این کتاب آمده است: گردآورندگان این اثر به جای گزینش یک مجموعه کلی از قالب‌های مختلف - که لاجرم دایره کار را بسیار وسیع می‌سازد - فقط به قالب غزل پرداخته‌اند و همین، کتاب را قدری تخصصی کرده و از پراکندگی و پریشانی باز داشته است. در مجموعه حاضر ۲۱۸ غزل از ۸۰ شاعر معاصر افغانستان به چشم می‌خورد و حتی‌الامکان سعی شده است در جمع‌آوری این مجموعه تازه‌ترین غزل‌های شاعران افغانستان منتشر شود. نام این مجموعه از بیتی از سیدنادر احمدی شاعر افغانستانی مقیم استرالیا برگرفته شده و مبین وضعیت شعر و شاعران امروز افغانستان است و گویای این واقعیت تلخ که بسیاری از آنان از سرزمین خود آواره‌اند و در چهارسوی جهان پراکنده شده‌اند. در یکی از غزل‌های این کتاب می‌خوانیم:

ای روح سرگردان سرگردان سرگردان!
از بلخ تا قونیه، از بهسود تا تهران
گاهی ز مقدونیه سوی هند می‌آیی
گه سوی مصرت می‌برند از دامن کنعان
یک روز در بازار مکه تکه‌ای از تو
از دست‌های تاجران برده آویزان

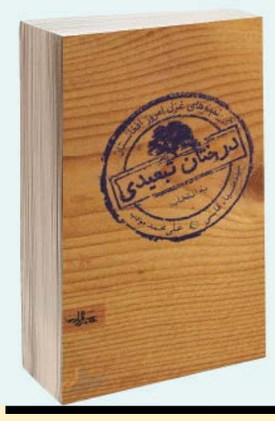

چشم‌انداز شعر امروز افغانستان

نویسنده: قنبرعلی تابش
ناشر: الهدی
سال نشر: ۱۳۸۰
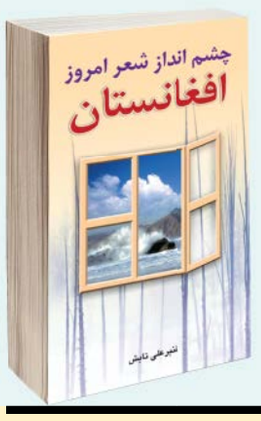
شاید برای شناخت شعر امروز افغانستان غیر از مطالعه اشعار به جستارها و مقالاتی در این باره نیز نیاز داشته باشیم. جستارهایی که بتواند ارتباط وضعیت اجتماعی روز این کشور را که بدون تردید تحت تاثیر مهم‌ترین عامل اثرگذار بر آن یعنی جنگ بوده است، توضیح دهد. این کاری است که قنبرعلی تابش در کتاب «چشم‌انداز شعر امروز افغانستان» انجام می‌دهد. در معرفی این کتاب آمده است: کتاب مجموعه مقاله‌ها و یادداشت‌هایی است که به‌تدریج درباره شعر امروز افغانستان نگاشته شده و در نشریات مختلف به چاپ رسیده است. مطالعه این مطالب می‌تواند تصویری کلی و نسبتا روشن درباره شعر و ادبیات افغانستان به مخاطب ارائه کند. عنوان برخی مقاله‌ها و یادداشت‌های کتاب چنین است: پیوند دین و شعر، بازتاب صدای نیما در شعر مهاجرت افغانستان، بازشناسی جلوه‌های روشنفکری در شعر مهاجرت افغانستان، نگاهی به شعر مقاومت افغانستان، چشم‌انداز اشعار عاشقانه مهاجرت. برای آشنایی مخاطبان با مضامین و قالب‌های شعری شاعران معاصر افغانستان برخی از سروده‌های آنها در بخش پایانی کتاب آورده شده است. چند مدخل از فهرست این کتاب عبارتند از: بازتاب صدای نیما در شعر مهاجرت افغانستان، بازشناسی جلوه‌های روشنفکری در شعر مهاجرت افغانستان، نگاهی به شعر مقاومت افغانستان، چشم‌انداز اشعار عاشقانه مهاجرت و تصویر جامعه اسلامی در روایت کاظمی.